

بررسی تطبیقی کیفیت سبک زندگی طلبه‌های حوزه علمیه و دانشجویان در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز و طلاب حوزه علمیه شهر اهواز)

دکتر کریم رضادوست^۱ و سیده منا فاضلی‌پور^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۹

چکیده:

هدف اصلی این مطالعه بررسی تطبیقی کیفیت سبک زندگی در میان دانشجویان دانشگاه و طلاب حوزه علمیه شهر اهواز می‌باشد. برای تبیین ارتباط بین سبک زندگی طلاب و دانشجویان پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظریات موجود دیدگاه وبر و بوردیو به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب گردید. در این پژوهش با دو نوع نمونه تصادفی سر و کار داریم؛ در خصوص حوزه‌های علمیه شهر اهواز با توجه به عدم امکان اطلاع از حجم جامعه آماری از نمونه در دسترس و در دانشگاه از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه از ۱۴۱ نفر دانشجو و ۱۴۱ طلبه گراوری و با نرم‌افزار SPSS19 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری مانوا نشان داد که میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی طلاب و دانشجویان تفاوت معناداری وجود ندارد اما میانگین‌های سبک زندگی در دو گروه دانشجو و طلبه تفاوت معناداری دارند. به‌طور کلی دانشجویان و طلاب از نظر مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و ملاک‌های انتخاب پوشش متفاوت بود؛ اما از نظر نحوه گذران اوقات فراغت، تعامل اجتماعی و انجام فعالیت‌های روزمره تفاوت معناداری میان دو گروه وجود نداشت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت دو محیط آموزشی به‌عنوان عرصه و میدانی که دانشجویان و طلاب در آن به فعالیت می‌پردازند، بر سبک زندگی آنان اثرگذار بوده است.

مفاهیم کلیدی: سبک زندگی، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، حوزه، دانشگاه

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) k.rezadoost@scu.ac.ir

^۲ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران mfazeli139@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

سبک زندگی^۱ روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. سبک زندگی اساساً به معانی نمادین محصولات توجه دارد؛ یعنی آنچه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است، سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربرد ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از مکان‌های موجود است. این رویکرد راهی است که به درک مدرن بودن سبک‌های زندگی و تقابل آن‌ها با شکل‌بندی‌های پیشین می‌انجامد و این معانی نمادین اموری توافقی هستند که پیوسته در حال از نو ابداع شدن هستند (Giddens, 2003:120).

برای تأیید نمادین بودن محتوای سبک زندگی دلیل هم می‌توان آورد، صنعتی‌شدن موجب پیچیدگی و تمایز یافتگی بی‌حد و حصر جهان کالاها شده است. چرا که نه تنها تعداد اشیای موجود به غایت فزونی یافته است، بلکه چگونگی دسترسی به آن‌ها، عرضه، نمایش و معرفی آن‌ها همگی تبدیل به خدماتی شده‌اند که خود شکلی از کالا به حساب می‌آیند که بنابراین در بازار خرید و فروش می‌شوند. سبک‌های زندگی عمدتاً در قالب چیزهای ملموسی هستند که آن‌ها را به امور نمادین بدل می‌کنند؛ نمادهایی که انعطاف سبک زندگی نقش مهمی در خلق هویت فردی و جمعی دارد. توالی ایده‌ها از زیمیل تا گیدنز و بقیه محققان، دال بر آن است که سبک زندگی‌ها قادرند مشخصه‌های هویتی و الگوی انتخاب‌های رفتاری افراد، هویت‌های سیاسی، جنبه‌هایی از حافظه تاریخی و نگرش افراد درباره مصرف در دنیای جدید را شکل دهند (Ibid:181). ویل از قول گلاسر نقل می‌کند که خلأ ناشی از فقدان دین در جوامع مدرن از طرف سبک‌های زندگی و قهرمانان پر می‌شود (Veal, 2000:42). سوئل بروز سبک‌های زندگی را پاسخی به بی‌هنجاری جهان و عرفی شدن فزاینده آن می‌داند (Sobel, 1981:3). سبک زندگی فرهنگی و شیوه گذران اوقات فراغت را بر شکل‌دهی به شخصیت افراد نیز مؤثر دانسته شده است (Koch&Wesser, 1991:415).

امروزه کارکرد نهادهای آموزشی تنها آموزش صرف نیست بلکه به تناسب ساختار محیط‌ها و عرصه‌های آموزشی سبک‌های زندگی متعددی پدید می‌آید. در ایران حوزه و دانشگاه به‌عنوان دو عرصه فرهنگی - آموزشی مهم می‌باشند.

¹ lifestyle

دانشگاه یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید معرفت است که با حساسیت نسبت به مسائل «جامعه سیاسی» «جامعه مدنی» و «جامعه اخلاقی» می‌تواند سهم مؤثری در توصیف و تبیین آن‌ها داشته باشد. امروز دانشگاه‌ها و کارکردها و نا کارکردهایش نه تنها در مقیاس آکادمی بلکه در دو مقیاس نهاد وابسته فرهنگی و نهاد مؤثر مدنی مورد توجه است. بی‌گمان جامعه ایران با همه دشواری‌های برآمده از وضعیت دائماً متغیر اجتماعی که پیش و رو دارد، نمی‌تواند نسبت به نقش فرهنگی دانشگاه‌ها بی‌تفاوت بماند و باید نسبت به خصایص فرهنگی و خروجی دانشگاه حساس باشد (Fazeli, 2007:180).

در کنار نهاد دانشگاه، نهاد حوزه علمیه یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی است. این نهاد در گذشته متولی آموزش در معنای عام آن بود، اما با تحولات دوران مدرن در ایران، این به نهاد دینی تقلیل پیدا کرد. از گذشته در حوزه‌های علمیه برای تربیت طلاب و آداب‌طلبگی، مجموعه‌ای از آموزه‌ها با عنوان زی‌طلبگی مد نظر بوده است (Rahmani, 2013:133). نهاد حوزه علمیه و روحانیت در تاریخ اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران اهمیت بسیاری داشته است. هر چند حوزه علمیه متولی مذهب شمرده می‌شود اما در عمل این نهاد یکی از منابع و مراکز اصلی قدرت (گاه در مقابل و گاه در کنار) قدرت شاهان محسوب می‌شده است. این موقعیت از دوران صفویه به این سو و با استقرار مذهب تشیع به مثابه مذهب رسمی کشور و پیوند روحانیت و علما با حکومت اهمیت مضاعفی پیدا کرد. نقش گروه علما در همه اشکال و گروه‌های فرعی آن، ریشه در این نهاد علمی و سنت‌های آن داشته است. البته تا قبل از دوره مدرن، تمام علوم (اعم از ریاضیات، نجوم، پزشکی و ...) علاوه بر معارف دینی در این مراکز تعلیم داده می‌شد، اما از دوران مدرن و اواخر قرن سیزدهم هجری - شمسی به این سو و با تفکیک علوم غیر دینی از علوم دینی، حوزه هر چه بیشتر به عرصه علوم دینی تقلیل یافت. به همین جهت حوزه علمیه، بیش از آنکه یک نهاد علمی در معنای عام آن باشد، یک نهاد علمی در معنای خاص آن و محدود به معارف دینی است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان حوزه علمیه را در دو سطح در نظر گرفت: ۱- به مثابه یک نهاد اجتماعی - سیاسی؛ ۲- به مثابه یک نهاد علمی و نظام آموزشی. آنچه مهم است خروجی نهایی این نهاد است که معمولاً با عنوان‌هایی مانند آخوند، روحانی، شیخ، حاج آقا، مجتهد، آیت‌الله و ... شناخته می‌شوند. روحانیت به مثابه یک صنف یا به مثابه یک قشر اجتماعی - حرفه‌ای از یک سو محصول این نهاد است و از سوی دیگر متولی آن. در میان نقش‌ها و اسامی مرتبط با حوزه، مبنایی‌ترین، نقش طلبگی است. طلبه یا همان دانشجوی سنتی که برای یادگیری علوم سنتی (بلاخص علوم دینی) وارد حوزه‌های علمیه می‌شود، فردی است که

معمولاً در سنین نوجوانی و جوانی وارد این نظام آموزشی می‌شود. دوران آموزش در حوزه علمیه به‌طور سنتی، دوره‌ای طولانی است که گاه تا بیست سال و بیشتر طول می‌کشد. به همین سبب در طی این دوران زندگی طلبه تا حد زیادی در اختیار حوزه و وابسته بدان است. در فضای فکری و فرهنگی حوزه، علاوه بر علوم مورد آموزش، شیوه و آموزه‌هایی برای تربیت شخصیت طلبه در حیطه اخلاق و آموزش وجود دارد که معمولاً به زی‌طلبگی تعبیر می‌شود. زی‌طلبگی را می‌توان هم به‌مثابه شیوه‌های یادگیری و هم به‌مثابه شیوه زندگی در نظر گرفت. در واقع زی‌طلبگی از لحاظ نظری مبنای اصلی برساخته شدن شخصیت انسان حوزوی یا روحانی است (Rahmani, 2013:114-115). تاکنون مطالعات علوم اجتماعی مربوط به حوزه علمیه، عموماً مربوط به نقش روحانیون و علما در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران بوده است. البته با رخ دادن انقلاب ۱۳۵۷، مطالعات بیشتری در این زمینه انجام شده است که در همه آن‌ها نیز با توجه به محوریت علما در این انقلاب، از این منظر پرداخته شده است پژوهش‌های انجام‌شده از سنخ جامعه‌شناختی و انضمامی، درباره حوزه علمیه تقریباً اندک‌اند.

حال اگر دو قشر دانشجو و طلبه را به‌عنوان گروه‌های منزلتی در نظر بگیریم مطابق نظر گرب «هر گروه منزلتی از اعضای خود انتظار دارد تا به شیوه‌ای خاص رفتار کند. از نظر محتوا هر گروه منزلتی «با سبک زندگی» خاص خود مشخص می‌شود و از اعضای هر گروه منزلتی انتظار می‌رود تا سبک زندگی خاصی را دنبال کند (Grab, 1994:78)». نقش تعیین‌کننده سبک زندگی چنان است که هر گونه سبک بخشیدن به زندگی یا از درون گروه‌های منزلتی آغاز می‌شود و یا به وسیله آن‌ها تداوم می‌یابد. همچنین سبک زندگی فردی نیست بلکه نوعی اقدام جمعی است که مورد توافق قرار گرفته است (Weber, 2004:221).

الگوها و سبک‌های زندگی افراد که بر مبنای ذائقه‌ها و انتخاب شکل می‌گیرد. کلیت الگوهای رفتاری و تمایز هنجاری را به وجود می‌آورند که از طریق فرایندهای اجتماعی شدن تکامل پیدا می‌کند. بدین ترتیب گیدنز از اشکال منتخبی «خود انتخابی» از مصرف‌گرایی سخن می‌گوید که سبک زندگی افراد را مشخص می‌کند و متضمن انواع خاصی از غذا، پوشاک، مسکن، اتومبیل، عادات کاری اشکال مختلف تفریح یا فراغت و انواع دیگری از رفتار منزلت‌جویانه است، که در عین حال توسط موقعیت اجتماعی افراد، و امکان و میزان دسترسی آنان به منابع اقتصادی و فرهنگی مشروط می‌شود. در واقع آن‌ها عبارت‌اند از اعمال اجتماعی فایده‌انگاران و شیوه‌های زندگی پذیرفته شده در جامعه‌ای جدید که منعکس‌کننده هویت‌های شخصی، گروهی و هویت‌های اقتصادی - اجتماعی افراد است. خصلت بازتابندگی سبک‌های زندگی سبب می‌شود که آن را در حوزه‌ای فراتر از فردی شدن و در یک فرایند تعاملی زیست

- جهان‌های متمایز مطالعه کنیم که استفاده از مواد و مصالح نمادین مصرف انبوه به اشیا و اعمال ملموسی تبدیل می‌شوند که دارای استعاره‌ای برای خودشان می‌باشند و بازتابی از موقعیت اجتماعی و هویت شخصی هستند (Cockerham, 1997:321).

در جامعه معاصر تحولات ارزشی بیشتر مورد نظر است. در همین مورد دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از مدرنیته در دهه‌های اخیر مورد توجه گیدنز قرار گرفته است. نظم و ترتیبات مابعد سنتی خود مبدل به یک پروژه بازتابی می‌شود و بازتابی بودن سبک زندگی اشاره‌ای است به استفاده از اطلاعات مربوط به شرایط فعالیت به‌عنوان ابزاری برای تنظیم و تعریف مجدد و قاعده‌مند معنا و چپستی رفتار (Rahmatbadi, 2006). در جامعه ایران هم تغییرات ارزشی بسیاری صورت گرفته است به این اساس در ابعاد فردی و اجتماعی شناخت و تبیین سبک زندگی نسل جوان به‌عنوان مخاطب اصلی تغییرات ارزشی اهمیتی ضروری دارد.

امروزه، سبک زندگی را برای فهم شرایط جدید پیش آمده در زندگی افراد، در شهرهای بزرگ به کار می‌برند، زیرا شهرهای بزرگ و جدید با ساختارهای مصرفی و تفریحی سامان یافته‌اند و افراد و گروه‌های اجتماعی در آن بر اساس مصرف و نمایش و ارائه نوع زندگی جدید شکل گرفته‌اند (Azadarmaki, 2006:4). در ایران پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با سبک زندگی صورت گرفته است لیکن پژوهش خاصی که هدف اساسی آن بررسی تطبیقی کیفیت سبک زندگی دانشجویان و طلبه باشد انجام نشده است که این امر ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان می‌نماید. اهمیت دیگر این تحقیق رویکرد اکتشافی - کاربردی آن است؛ به قسمی که ماهیت دو عرصه آموزش عالی حوزه و دانشگاه و نقش آن‌ها در سبک زندگی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بر این اساس این پژوهش به دنبال فهم و بررسی تطبیقی کیفیت زندگی طلبه‌ها در حوزه و دانشجویان در دانشگاه بر مبنای رویکرد نظری وبر و بوردیو است.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در مورد پیشینه مطالعات جامعه‌شناختی طلاب، روحانیون و حوزه علمیه چندین اثر قابل بررسی را می‌توان دید:

تقریباً اولین کار تجربی از نوع جامعه‌شناختی در مورد روحانیت و حوزه علمیه به بخشی از کتاب توسعه متضاد اثر دکتر فرامرز رفیع‌پور با عنوان «نظام و سازمان‌دهی دین: روحانیت» مربوط به دهه هفتاد، برمی‌گردد. آنچه در این بخش از کتاب وی آمده است شامل دو قسمت

است؛ که قسمت اول آن مطالعه میدانی در مدارس حوزه علمیه قم است و قسمت دوم شامل تحلیل‌های کلی است که محقق بدون ارجاع به داده‌های تجربی یا مطالعه میدانی انجام می‌دهد (Shariati & Foroughi, 2013:45). ربانی خوارسگانی (۱۳۸۱)، مطالعه‌ای را با عنوان "نقش مورد انتظار از روحانیت جامعه‌ی ایران" انجام داده است. در این تحقیق که بررسی موردی دو حوزه علمیه قم و مشهد و با روش پیمایش انجام شده است، محقق نهایتاً در نتیجه‌گیری خود به لزوم تحول و اصلاح در سازمان روحانیت در سه بخش «منبع درآمد، فرهنگ و سیستم آموزشی» اشاره می‌کند (Ibid).

در سال ۱۳۹۹ نیز مطالعه‌ای جامعه‌شناختی با عنوان "بررسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت طلاب حوزه علمیه قم" انجام شده است. در این مطالعه مهم‌ترین اولویت‌های بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در میان طلاب سه عامل وسیله نقلیه، کیفیت مدیریت و جایگاه اقتصادی شناخته شده‌اند که به ترتیب از سطح بازدارندگی بالاتری برخوردارند (Zakeri, 2009).

اسلامی تنها (۱۳۸۹)، در تحقیق خود با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموختگان حوزوی به لباس روحانیت" این فرضیه را سنجید که هر چه پذیرش نقش اجتماعی روحانیت کامل‌تر انجام شود، نگرش مثبت حوزویان به لباس بیشتر خواهد شد. بر اساس یافته‌های این مطالعه در آزمون فرضیه اصلی این نتیجه به دست آمده است که بین پذیرش همه‌جانبه نقش روحانی و نگرش به پوشیدن لباس روحانیت رابطه مستقیم برقرار است (Eslamitanha, 2010).

سلیمانیه (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان "بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم" انجام داد. سلیمانیه در این تحقیق که در قلمرو جامعه‌شناسی خرد قرار می‌گیرد، به گونه‌شناسی دو نوع از طلاب "سنتی و مدرن" پرداخت. وی در بخشی از تحقیق خود به انگیزه‌ها و مکانیسم‌های طلبه شدن نمونه‌های مورد بررسی اشاره می‌کند و تأثیر برخی از افراد مانند «دیگران مهم» و «گروه همالان» را در طلبه شدن افراد بازگو می‌کند.

حاضری و علی بابایی (۱۳۸۹)، پژوهشی تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان در حوزه فرهنگ" با تکیه بر مورد مطالعه حوزه و دانشگاه انجام داده‌اند. این کار یک پژوهش تجربی است که با استفاده از ابزار پرسشنامه تدوین گردیده و در آن متغیرهایی چون وفاق نقشی، وفاق منزلتی، وفاق معرفتی و کنش ارتباطی در بین اساتید حوزه و دانشگاه مورد مطالعه قرار گرفته است.

پژوهش دیگری با "عنوان زی‌طلبگی: از منش تا سبک زندگی انسان حوزوی" توسط جبار رحمانی انجام شده است. پژوهش مذکور به دنبال فهم زی‌طلبگی و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی آن است. برای این کار بر رویکرد بوردیویی در فهم فضای اجتماعی، میدان فرهنگی و دینی و به‌ویژه مفهوم کنش تأکید شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که زی‌طلبگی (سبک زندگی طلبگی) مبنای اصلی برساخت منش طلبگی و انسان حوزوی است. این منش در بنیاد خودش مبتنی است بر تقابل بنیادین مقدس/نامقدس. در جهان‌بینی حوزوی، طلبه و روحانی اختصاص به حوزه قدسی و فعالیت‌های دینی دارند. این اختصاص یافتگی طلبه به امر دینی و قدسی، در رفتارها و کنش‌های زبانی، کنش‌های مصرف و همچنین فن‌های بدن طلاب به خوبی دیده می‌شود.

پژوهش‌های جامعه‌شناختی بسیاری در مورد سبک زندگی و سبک زندگی دانشجویان در ایران انجام گرفته است که شرح‌گرفته‌ای از این پژوهش‌ها در ادامه بیان می‌گردد. چاوشیان (۱۳۷۹)، در تحقیقی با عنوان "سبک زندگی و هویت" بیان می‌کند که تفاوت‌های فرهنگی پاسخگویان بر اساس متغیرهایی مثل پایگاه اقتصادی - اجتماعی قابل تعیین نیست. اما این خصوصیات تا حد زیادی با متغیرهایی مثل: سن، جنس، تحصیلات و سرمایه فرهنگی تبیین می‌شود. طی فرایند مدرن شدن صور بخصوصی از فردیت ایجاد می‌شود که بر حوزه‌های معینی از کنش اجتماعی مثل ذوق و سلیقه، منش، مد، سبک زندگی مبتنی است و از همان طریق بیان می‌شود. این حوزه‌های کنش اجتماعی در ترسیم و توصیف زندگی اجتماعی اهمیت شایانی یافته‌اند. در حالی که سایر صورت‌های تمایز ساختاری کم اهمیت‌تر شده‌اند.

رحمت‌آبادی و بخشی (۱۳۸۵)، پژوهشی با عنوان "سبک زندگی و هویت‌های اجتماعی جوانان" انجام داده‌اند. این مطالعه به روش دلفی بر جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال طبقه متوسط شهری متمرکز بوده و همکاران پژوهش از بین اساتید دانشگاه انتخاب شده‌اند. هدف این مطالعه ارائه معیارهایی دال بر گروه‌بندی‌های اجتماعی جدید بر مبنای سبک زندگی در دهه اخیر است که مرزهای هویت را ترسیم می‌کند.

آزاد ارمکی (۱۳۸۵)، در تحقیقی با عنوان "دو جهان ایرانی، مسجد و کافی‌شاپ" بیان می‌کند که جوانان کافی‌شاپ بیش از جوانان مذهبی (مسجدی) به سینما و تئاتر می‌روند، در حالی که جوانان مذهبی بیش‌ترین وقت آزاد خود را صرف رفتن به مسجد و انجام امور مذهبی می‌کنند این امر بین جوانان حاضر در کافی‌شاپ کمتر رایج است. خلاصه اینکه بین

نوع پوشش آن‌ها، استفاده از رایانه، کلاس‌های آموزشی نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها و نوع ورزش، تفاوت وجود دارد.

مهدوی کنی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان "مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی" بیان می‌کند که سبک زندگی: ۱- اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می‌شود؛ ۲- همه حوزه‌های رفتاری و وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها را شامل می‌شود؛ ۳- مجموعه‌ای از رفتارها و دارایی‌ها است یا الگوی منتزع از آن، بستگی به محل کاربرد آن داشته است؛ ۴- به‌عنوان یک الگوی همگرا به معنی وحدت و کثرت توأمان است؛ ۵- مقوله‌های فردی و جمعی است؛ ۶- شکل‌گیری آن حول محور گرایش‌ها (تمایلات، ترجیحات) یا آنچه ذوق و سلیقه (با پذیرش سلیقه‌ای بودن سبک زندگی، انتخابی بودن آن را پذیرفته‌ایم) خوانده شده است، به‌طور کلی سبک زندگی عبارت است از: «الگوی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی ابداع یا انتخاب می‌کند» یا به اختصار سبک زندگی: «الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجع است».

در سال ۱۳۸۶ پژوهشی با عنوان "تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی" توسط محمد فاضلی انجام شده است. مطالعه مذکور با بررسی میزان مصرف فرهنگی دانشجویان ایرانی به بررسی این مسئله می‌پردازد که میزان مصرف فرهنگی دانشجویان در شرایط فعلی تا چه اندازه قادر است ایشان را برای ایفای نقش شهروندی آگاه و مشارکت‌جو آماده کند.

سیدی و بیرقی (۱۳۹۱)، پژوهشی تحت عنوان "بررسی تطبیقی روابط اجتماعی، سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران" در دانشگاه اراک انجام داده‌اند. پژوهش مذکور سبک زندگی را از منظر دینی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به تدریج که محیط و تعاملات اجتماعی انسان از جامعه سنتی فاصله می‌گیرد، سبک زندگی مدرن بیشتر متجلی می‌شود و در جامعه ایران که فرهنگ مذهبی قالب است، الگوی سبک زندگی مدرن و مصرفی موجب تقابل گردیده و پیام‌هایی را به همراه داشته است. پژوهشی تحت عنوان "بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری" توسط رحمانی و سهرابی انجام شد. در این پژوهش رابطه بین سبک زندگی و دینداری از طریق روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته

است. نتایج نشان دادند که سبک‌های زندگی متفاوت، موجب تعدد رفتار دینی شکل‌گیری الگوهای خاص در زمینه دینداری است (Ramani & Sohrabi, 2013).

ب) تحقیقات خارجی

(Toda (2009 پژوهشی با عنوان "سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان هامبورگ" انجام داده است. این پژوهش به ارزیابی عوامل مؤثر بر سبک زندگی میان جوانان می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، شناخت نقش برخی عوامل فردی و اجتماعی چون سن، جنسیت، شغل، سطح تحصیلات، مدت زمان گذر اوقات فراغت، و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر سبک زندگی میان جوانان است. روش پژوهش پیمایشی است. توصیف و تبیین داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها صورت گرفته است. یافته‌ها و نتایج نشان می‌دهد که میان جنسیت، شغل پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مدت زمان گذر اوقات فراغت و سبک زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش دیگری تحت عنوان "شیوه‌های زندگی در نواحی فقیرنشین" آزمایشی بر فرضیه ضرورت ذائقه بورديو صورت گرفته است. این پژوهش در مناطق فقیرنشین در کلن آلمان انجام گرفته و در آن به دنبال این بودند که آیا طبقات پایین‌تر جامعه توانایی تبدیل و نمایش و عرضه سرمایه خود را دارند یا نه (Blasius & Friedrichs, 2008).

در سال ۲۰۰۴ پژوهشی تحت عنوان "سبک زندگی و کیفیت وضعیت‌های مکانی زندگی در سفرهای روزانه" در قسمت جدید هلند انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهد که تمرکز خدمات در نزدیکی مکان‌های حمل و نقل عمومی و افزایش تراکم شهری، مردم را مجبور به افزایش زمان برای سفرهای درون شهری می‌کند و استفاده از خدمات از راه دور، بهترین شیوه برای تحقق بخشیدن به فعالیت‌های روزانه است و همچنین نشان می‌دهد که سبک زندگی مردم از فضا و پیکربندی مناطق تأثیر می‌پذیرد (Ritsema & et. al, 2005).

چارچوب نظری پژوهش

برای تبیین نظری کیفیت سبک زندگی طلاب و دانشجویان از نظریه‌های وبر و بورديو استفاده شده است. ماکس وبر در نقد یا تکمله‌ای بر مارکسیسم، با نقد تلقی رابطه یک‌سویه میان جایگاه طبقاتی و تفکرات و شیوه‌های زندگی، چشم‌انداز گسترده‌ای را در مطالعات سبک زندگی گشود. وبر در مطالعات تاریخی گسترده خود روشن ساخت که نمی‌توان کنش‌های اجتماعی (جامعه‌ای) را صرفاً به اتکا به مفاهیم اقتصادی درک کرد؛ چرا که حتی در ارزیابی

منافع اقتصادی نیز اندیشه‌های ناشی از خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مؤثرند (Bendix, 2003:98). وبر بی‌آنکه بخواهد اهمیت شرایط اقتصادی را انکار کند، تحلیل پیچیده‌تری از جامعه و قشربندی‌ها و شکاف‌های آن عرضه کرد. در تحلیل‌های وی عوامل فرهنگی نه صرفاً چون متغیرهای وابسته بلکه همچون متغیرهای مستقل مطرح شدند. وبر مطرح ساخت که تعاریف اقتصادی نمی‌تواند به تنهایی شرایط شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی را توضیح دهد از همین رو جهت توضیح چگونگی تأثیر نفوذ ایده‌ها بر شکل‌گیری گروه‌ها مفهوم «موقعیت منزلتی»^۱ را مطرح ساخت (Ibid:99). موقعیت منزلتی به «هر جزء از سرنوشت انسان‌ها که از طریق مثبت یا منفی از حیثیت اجتماعی تعیین می‌شود» اشاره دارد (Weber, 2003:214). برآورد اجتماعی از آبرو یا (شرف) و حیثیت کنشگر یا کنشگران، جایگاه اجتماعی ایشان را در جامعه مشخص می‌کند و این جایگاه بر تقدیر فرد یا گروه اجتماعی مؤثر است (Shalchi, 2007:97).

ویژگی دیگر گروه منزلتی آن است که میان خود و دیگر گروه‌های منزلتی فاصله اجتماعی ایجاد می‌کنند و قیوداتی بر مراودات اجتماعی، یعنی مراوداتی که تابع مقاصد اقتصادی نباشد، قائل می‌شود (Bendix, 2003:99)؛ و از اعضا انتظار دارد در برخورد با آن‌هایی که منزلت‌های پایین‌تری دارند از نظر اجتماعی فاصله بگیرند. نکته قابل توجه در ارزیابی حیثیت و اعتبار گروه منزلتی آن است که مبتنی بر تعریفی است که دیگران از گروه دارند (Coser, 1998:314). هر گروه منزلتی از اعضای خود انتظار دارد تا به شیوه‌ای خاص رفتار کند. از نظر محتوا هر گروه منزلتی «با سبک زندگی» خاص خود مشخص می‌شود و از اعضای هر گروه منزلتی انتظار می‌رود تا سبک زندگی خاصی را دنبال کند (Grab, 1994:78). یک گروه اجتماعی به شیوه‌های مختلفی از جمله به وسیله ازدواج‌های درون‌گروهی و محرمات آیینی هویت متمایز گروه را حفظ می‌کند. این گروه‌ها «اصولاً عزت و احترام خود را از راه‌های غاصبانه کسب می‌کنند و با تخصیص شایستگی برخی از پاداش‌ها به خودشان، ادعاهایشان را در شیوه زندگی و رفتار و فعالیت‌هایی که از لحاظ اجتماعی انحصاری است مناسکی می‌کنند» (Tamin, 1992:11). صلاحیت آموزشی نیز یکی دیگر از راه‌های مسدود کردن است. شیوه‌های حفظ سبک زندگی یک گروه منزلتی از موضوعاتی چون آداب غذا خوردن و یا صحبت کردن تا تضمین‌های قانونی و کاربرد نیروی‌های مسلح را نیز شامل می‌شود. «یک گروه منزلتی، دارای یک الگوی مجزای زندگی، غذا خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن، تفریح و خلاصه الگوی مجزای مصرف است. چنین الگوهایی، به تعریف اعضای یک

¹ status situation

گروه منزلتی و به حفظ منزلت آن و به حرمت اجتماعی و فرهنگی آن در چشم خود و دیگر اعضای صورت‌بندی اجتماعی کمک می‌کند که در ارزش‌های فرهنگی همانند شریک هستند» (Bocock, 2002:8). گروه‌های منزلتی برای فهم جامعه‌های چند فرهنگی مدرن بسیار اهمیت دارند و ذائقه‌های مختلف را شکل می‌دهند. گروه‌های منزلتی همچنین می‌توانند به اعضای خود احترامی را بدهند که در گروه‌های وسیع‌تر ممکن نیست. گروه‌های منزلتی نفع خودشان را در بازار دنبال می‌کنند. انواع گروه‌های منزلتی که می‌توانند مبنای مختلفی همچون قومیت، جنسیت، مذهب و حرفه نیز داشته باشند علاوه بر مزایای فوق ممکن است برای اعضای خود امتیازاتی چون انحصار برخی مشاغل را نیز به ارمغان آورند (Craib, 2003:228). گروه‌های منزلتی به مرور زمان و با تثبیت جایگاه خود می‌توانند برخی امتیازات خود را به شکل قانون نیز در بیاورند. «همین که عملاً قشربندی خاصی از نظم اجتماعی به وجود آید و به واسطه توزیع پایدار قدرت اقتصادی ثبات یابد، گذر از این موضوع صرفاً قراردادی و دست‌یابی به امتیازهای قانونی مثبت یا منفی، به سهولت خواهد گرفت» (Weber, 2003:216). همچنین مفهوم منزلت و سبک زندگی می‌تواند در قیاس با مفهوم طبقه تبیین بهتری از منازعات و جدال‌های سیاسی در جامعه نوین را ارائه دهد؛ زیرا بسیاری از منازعات و کشمکش‌های جامعه نوین را نمی‌توان صرفاً با مفهوم طبقه توضیح داد. چرا که گروه‌های منزلتی نیز به همراه احزاب (علاوه بر طبقات) در توزیع قدرت در جامعه مؤثرند و نظم اجتماعی (متأثر از نحوه توزیع حیثیت اجتماعی) و نظم اقتصادی به نحوی همانند بانظم قانونی ارتباط دارند (Ibid:208). اگر چه نظریات وبر تکمله‌ای بر نظریات مارکس تلقی می‌شود، اما وی نخواست است تبیین‌های مارکس از وجوه مادی تولید و نقش آن در برساختن فرهنگ را به همراه نظریات خود در یک چارچوب نظری نظام‌مند تنظیم کند. بعدها اندیشمندان اجتماعی دیگری در صدد تلفیق آرای این دو متفکر مهم اندیشه اجتماعی برآمده‌اند. نظریه بوردیو یکی از نظریاتی است که آرای مارکس و وبر در آن تلفیق شده است. تحلیل سبک زندگی در نظریه بوردیو، در قیاس با نظریات دیگر به لحاظ قدرت تبیینی و در نظر گرفتن عوامل مختلف و در عین حال انعطاف‌پذیری نسبت به شرایط اجتماعی مختلف دارای مزیت‌های متعددی است که جامعیت و عدم تقلیل‌گرایی از آن جمله‌اند. تحلیل‌های وبر به‌ویژه در مورد تأکید بر عاملیت، استقلال فرهنگ، قدرت و سلطه در نظریه‌های فرهنگی معاصر بسیار تأثیرگذار بوده است. تحقیقاتی که درباره سرمایه فرهنگی و شأن اجتماعی صورت می‌گیرد متأثر از میراث فکری وبر است (Smith, 2003:39).

در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت‌یافته و تجسم‌یافته‌ترجیحات افراد است. از یک‌سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است؛ اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز است (Bocock, 2010:96). ذائقه‌ها و ترجیحات زیبایی‌شناختی متفاوت سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. «بنابراین سبک زندگی محصول نظام‌مند منش است که از خلال رابطه دوجانبه خود با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به‌گونه‌ای جامعه‌ای مورد ارزیابی قرارگیرد (مثلاً به‌عنوان قابل احترام، ننگ‌آور و ...)» (Bourdieu, 2005:172). سبک زندگی متأثر از ذائقه، و ذائقه پیامد منش و نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص‌کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، منش وی را شکل می‌دهد و منش نیز مولد دو نوع نظام است: یکی نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی که تعامل این دو نظام سبک زندگی را ایجاد می‌کند. اما این یک‌طرف رابطه است؛ زیرا سبک زندگی و فرایندهای مصرفی به منزله تجلی آن، هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی شده است و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی کننده (Ibid:172). بوردیو جامعه را با مفهوم فضای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فضا که جایگاه رقابتی شدید و بی‌پایانی است، در جریان رقابت‌ها، تفاوت‌هایی ظهور می‌کند که ماده و چارچوب لازم را برای هستی اجتماعی فراهم می‌کند. در این فضا، مدل‌های کوچک متمایزی از قواعد و مقررات و اشکال قدرت هست که آن‌ها را میدان می‌نامند. میدان گستره‌ای از نوع خاصی از اعمال است. میدان فضای روابط میان کنشگران است. منازعه قدرت، ویژگی اصلی میدان است. او با طرح سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موقعیت افراد در میدان را بسته به نوع و ترکیب سرمایه‌ها می‌داند و تأکید بیشتری بر سرمایه فرهنگی دارد (Fazeli, 2003:37). بوردیو برای فهم بهتر کنش‌های انسانی، مفهوم میدان فرهنگی را مطرح می‌کند. از نظر او میدان فرهنگی به مثابه مجموعه‌ای از نهادها، قواعد مناسک، ابداعات، طبقه‌بندی‌ها تعیین‌ها، تخصیص‌ها، انتصاب‌ها و القاب است که یک سلسله مراتب عینی را می‌سازد و گفتمان‌ها و فعالیت‌های خاصی را نیز تولید کرده و مشروعیت و

اقتدار می‌بخشد (Web & et. al & 2003:22). بوردیو در زمینه‌ای از مفاهیم فضای اجتماعی، میدان و سرمایه، به طرح دو مفهوم سبک زندگی و منش می‌پردازد که بتواند بر اساس نظام مفهومی خودش ساختار و عاملیت را در جهان اجتماعی در رابطه با هم بررسی کند.

بوردیو در کتاب تمایز برای فهم سبک زندگی آن را در رابطه با ساختارهای طبقاتی، مصرف و منش و سایر مفاهیم مرتبط به آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. از نظر او رابطه خاصی بین منش و سبک زندگی وجود دارد. سبک‌های زندگی محصول ساماندمنش هستند که در روابط متقابلشان و به کمک شاکله‌های منش درک می‌شوند و به نظام‌های نشانه‌ای تبدیل می‌شوند و به‌صورت اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (Bourdieu, 2012:339-340). با توجه به اینکه منش از یک سو بازنمای ساختارها و هستی اجتماعی است و از سوی دیگر الگوی بنیادین برای برساختن زندگی است، فهم آن اهمیتی کانونی در فهم سبک زندگی و انسان حوزوی دارد. لذا در ادامه به تشریح مفهوم منش از دیدگاه بوردیو می‌پردازیم.

بوردیو مفهوم منش را به همراه مفهوم میدان فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای اندیشیدن فراتر از دوگانه ذهنیت‌گرا و عینیت‌گرا ایجاد کرد (Bourdieu, 1990:20)؛ هر چند از نظر او رابطه منش و میدان به‌طور کامل تعیین‌کننده کنش‌ها و اندیشه‌های مردم نیست، اما هیچ عملی بدون ارجاع به آن‌ها قابل توضیح نیست (Web & et. al, 2003:36)؛ تبیین حقیقی رفتار را باید در منش جست‌وجو کرد. ساخت اجتماعی و تاریخ، منش را به وجود می‌آورند منش نیز به نوبه خود اعمالی را ایجاد می‌کند که در غیاب عوامل بیرونی، در خدمت بازتولید ساخت اجتماعی هستند، در نتیجه تاریخ، معمولاً خود را تکرار می‌کند (Jenkins, 2006:150). از نظر بوردیو مفهوم منش عبارت است از: «نظامی از تمایلات پایدار و قابل انتقال که تجربه‌های گذشته را انسجام بخشیده و در هر مقطعی به مثابه ماتریسی از ادراکات، فهم امور و کنش‌ها است. و این امکان دستیابی به وظایف و اهداف بسیار متنوع و بی‌نهایت را فراهم کرده و شرایط را برای جابه‌جایی‌های قیاسی شاکله‌هایی ایجاد می‌کند که راه‌حل‌های مسائل مشابه مورد مواجهه را به دست می‌دهد (Bourdieu, 1973:83). مؤلفه‌ها و خصایص منش، اصولی هستند که تجربه‌ها و اعمال و بازنمایی‌ها را سازمان‌دهی کرده و تولید می‌کند و از این طریق امکان این را دارند که بر خروجی‌هایشان بدون لزوم مفروض گرفتن هدفمندی آگاهانه یا بیان آگاهانه مهارت‌های ضروری عملکردی برای دستیابی به آن اهداف قابل انطباق باشند (Bourdieu, 1990:53).

مهم‌ترین ویژگی منش «آن است که خودش و قواعد فرهنگی، عامل، و ارزش‌هایی که وجود آن را امکان‌پذیر می‌کنند، را طبیعی‌سازی می‌کند (Web & et. al, 2002:41).

منش سبب ایجاد نوعی اشتراک و انسجام در میان اعضای یک گروه/طبقه می‌شود. البته منش علت این گروه یا موقعیت طبقاتی نیست بلکه خودش محصول آن است. به دلیل آنکه منش محصول شرایط بنیادی هستی اجتماعی است، لذا ساختارهای عینی که به واسطه منش درونی شده‌اند، اعضای گروه را به سمتی هدایت می‌کنند که آن‌ها را معقول/نامعقول، مطلوب/نامطلوب، طبیعی/غیر قابل تحمل و قابل تأمل برای مردم گروهشان بدانند. در واقع منش تمایلات و ترجیحات عاملان اجتماعی را بر حسب شاخص‌های واقعی برای قابل دستیابی/غیر قابل دستیابی و آنچه برای ما و متعلق به ما هست/نیست، تنظیم می‌کند. اهمیت این معیار به حدی است که بوردیو آن را در حد تقابل دوگانه مقدس/نامقدس دورکیم می‌داند (Bourdieu, 1990:64).

نکته مهم در فهم منش و سبک زندگی، درک منطق عمل آن‌هاست. با توجه به اینکه هر جنبه از سبک زندگی و منش، در سایر جنبه‌ها متجلی شده است و خود نیز سایر جنبه‌ها را متجلی می‌کند می‌توان گفت منطق منش و سبک زندگی را می‌توان در تمام جزئیات ذهنی و عینی مادی و غیر مادی زندگی آدم‌ها دنبال کرد (Rahmani, 2013:125).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر پایگاه اجتماعی - اقتصادی تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر سبک زندگی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر اوقات فراغت تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر مصرف فرهنگی تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر مدیریت بدن تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین افراد دانشجو در محیط دانشگاهی و طلاب در حوزه علمیه از نظر میزان استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و روش اجرای تحقیق پیمایش است. ابزارهایی که در علوم اجتماعی معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرند، ابزارهایی مانند: پرسشنامه^۱، مصاحبه^۲، مشاهده^۳ و تحلیل محتوا^۴ هستند. برای یافتن بهترین ابزار و فن گردآوری اطلاعات، بهترین روش آن است که با توجه به موضوع تحقیق و جامعه آماری، این ابزار انتخاب گردد. در مطالعات پیمایشی عمدتاً از ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود (De Vaus, 2001:113). ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق نیز پرسشنامه است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران و طلبه‌های حوزه علمیه شهرستان اهواز است. ضمناً در این تحقیق با دو نوع نمونه تصادفی سروکار داریم، در خصوص حوزه‌های علمیه شهرستان اهواز با توجه به عدم اطلاع از حجم جامعه آماری از نمونه در دسترس و در دانشگاه از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب استفاده شده است. بر این اساس ۱۵۰ نفر به صورت تصادفی از میان طلاب حوزه‌های علمیه شهرستان اهواز انتخاب شدند. بر اساس آمار ارائه شده توسط مدیریت برنامه‌ریزی و ارزیابی آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز تعداد دانشجویان روزانه، شبانه و این دانشگاه ۱۴۲۰۲ نفر می‌باشد که بنابر ضرورت پژوهش ۱۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. در جدول ۱ تعداد افراد نمونه به تفکیک هر دانشکده بیان شده است و جدول ۲ نیز بیانگر حوزه‌های علمیه و تعداد طلاب در نمونه پژوهش است (شایان ذکر است تعداد پرسشنامه‌های بازگشت داده شده از گروه دانشجویان ۱۴۹ و گروه طلاب ۱۴۱ عدد است).

¹ questionnaire

² interview

³ observation

⁴ content analysis

جدول ۱: تعداد دانشجویان به تفکیک هر دانشکده و تعداد افراد نمونه

Table 1: Sample Number of Students

| تعداد افراد نمونه | تعداد کل دانشجویان | نام دانشکده |
|-------------------|--------------------|-------------------|
| <i>Sample</i> | <i>Total</i> | <i>Name</i> |
| ۱۳ | ۱۲۷۸ | ادبیات |
| ۱۵ | ۱۴۲۰ | علوم تربیتی |
| ۷ | ۹۶۹ | الهیات |
| ۲۰ | ۱۹۴۳ | اقتصاد |
| ۴ | ۴۰۰ | تربیت بدنی |
| ۲۵ | ۲۱۸۸ | علوم و علوم زمین |
| ۱۰ | ۱۰۳۹ | ریاضی |
| ۳۲ | ۲۷۶۶ | مهندسی |
| ۱۷ | ۱۵۲۹ | کشاورزی و علوم آب |
| ۶ | ۵۴۵ | دامپزشکی |
| ۱۴۹ | ۱۴۲۰۲ | جمع کل |

جدول ۲: تعداد نمونه طلاب

Table 2: The Sample Number of Seminary Students

| تعداد افراد نمونه | نام حوزه علمیه |
|--------------------------------|---------------------------------|
| <i>Number of Sample People</i> | <i>The Name of the Seminary</i> |
| ۲۵ | آل طیب |
| ۴۱ | امام حسین (ع) |
| ۲۵ | آیت‌الله بهبهانی |
| ۲۶ | الزهرا |
| ۲۴ | امام صادق (ع) |
| ۱۴۱ | جمع کل |

برای حصول روایی قابل قبول در این تحقیق، ابتدا طی جلسات متعدد به انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های حاضر در پرسش‌نامه‌های موجود و آزمون شده قبلی، اقدام نمودیم. علاوه بر این، تمامی گویه‌های استخراج شده در اختیار چندین تن از اساتید، دانشجویان، طلاب حوزه علمیه و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آن‌ها بر گویه‌ها، مبنی بر معتبر بودن سنجه مورد نظر بود. ضریب آلفای کرونباخ به‌عنوان یکی از ضرایب پایایی یا قابلیت اعتماد شناخته می‌شود. این

ضریب از عمومی‌ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ghasemi, 2005:157). در جدول شماره ۳ پایایی مربوط به متغیرهای جدول اول، اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، ارتباط اجتماعی و ملاک‌های پوشش را نشان می‌دهد. مقادیر آلفای به‌دست آمده برای متغیرهای مذکور بالای ۰/۶۰ می‌باشد بنابراین سنجه‌های بکار رفته جهت سنجش متغیرها پایا و قابل اعتماد می‌باشند.

جدول ۳: پایایی متغیرها

Table 3: Reliability of Variables

| پایایی | متغیر |
|-------------|-------------------|
| Reliability | Variable |
| ۰/۶۸ | فعالیت‌های روزمره |
| ۰/۷۸ | اوقات فراغت |
| ۰/۷۱ | مصرف فرهنگی |
| ۰/۸۸ | مدیریت بدن |
| ۰/۶۹ | ارتباط اجتماعی |
| ۰/۶۵ | ملاک‌های پوشش |

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

در این پژوهش پایگاه اجتماعی و ابعاد سبک زندگی بین دو گروه دانشجویان و طلاب سنجیده می‌شود. پایگاه اجتماعی - اقتصادی به موقعیت و اعتبار فرد در جامعه، با توجه به وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی وی گفته می‌شود. از نظر آلن بیرو جایی که یک فرد خاص در نظامی مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او در برابر این نظام خوانده می‌شود (Birou, 1996:381). در این پژوهش از مقیاس نبوی (۱۳۸۸)، استفاده گردیده است که بعد ذهنی پایگاه اقتصادی - اجتماعی را با ابعاد وسیع‌تر خود مورد سنجش قرار می‌دهد.

«سبک زندگی را می‌توان الگوهایی از کنش دانست که تمییز دهنده افراد جامعه است.» سبک زندگی عبارت است از طیف رفتاری‌ای که اصل انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است.

در واقع سبک زندگی زاینده انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاری‌شان است که ویژگی‌های سبک زندگی عبارتند از:

- ۱- سبک زندگی الگوی منسجمی از رفتارهاست که در عرصه خاصی از زندگی بروز می‌کند.
 - ۲- سبک زندگی ویژگی زندگی یک گروه اجتماعی است.
 - ۳- الزاماً سبک زندگی دارای تشخیص در جامعه نیست.
 - ۴- سبک زندگی انسجام دارد.
 - ۵- سبک زندگی مستلزم عنصر انتخاب است (Fazeli, 2005:29-31).
- در جدول ۴ ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی بیان می‌گردد.

جدول ۴: ابعاد و شاخص‌ها

Table 3: Dimensions and Indicators

| شاخص‌ها | ابعاد |
|--|-------------------|
| <i>Indicators</i> | <i>Dimensions</i> |
| رفتن به پارک، سینما، مسجد و نماز جماعت، کلاس‌ها و نمایشگاه‌های هنری، نوع و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی دیداری و شنیداری مانند: روزنامه، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و ... | مصرف فرهنگی |
| میزان ارتباط با والدین، بستگان، دوستان همسایگان | تعامل اجتماعی |
| میزان پرداختن به فعالیت‌هایی چون گفتگو با خانواده، حضور در شبکه‌های اجتماعی و ... در هنگام فراغت | اوقات فراغت |
| در قالب مؤلفه‌هایی چون نگرش به جراحی‌های زیبایی، میزان کاربرد ابزار تناسب اندام و لوازم آرایشی بهداشتی سنجیده شد | مدیریت بدن |
| به مد بودن، زیبایی، رنگ، ارزان بودن، راحت و بادوام بودن، مناسب مقتضیات کشور بودن | ملاک‌های پوشش |
| میزان پرداختن به فعالیت‌هایی چون ورزش، استراحت، خواب، شرکت در مباحثه علمی با همکلاسی‌ها، مطالعه درسی و غیر درسی | فعالیت‌های روزمره |

یافته‌های پژوهش

تعداد بیشتری از دانشجویان نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۵۰/۳ درصد) زن هستند. پس از آن دانشجویانی که مرد هستند حدود ۴۹/۷ درصد از نمونه دانشجویان را تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد بیشتری از طلاب نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۶۳/۸ درصد) مرد هستند. پس از آن طلابی که زن هستند حدود ۳۶/۲ درصد از نمونه طلاب را تشکیل می‌دهند. همچنین اکثر دانشجویان نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۸۸/۶ درصد) مجرد هستند. پس از آن دانشجویانی که متأهل هستند حدود ۱۱/۴ درصد از نمونه

دانشجویان را تشکیل می‌دهند. همچنین لازم به ذکر است که هیچ‌یک از دانشجویان نمونه آماری پژوهش مطلقه یا همسر فوت شده نبودند. همچنین تعداد بیشتری از طلاب نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۷۰/۹ درصد) مجرد هستند. پس از آن طلابی که متأهل هستند حدود ۲۹/۱ درصد از نمونه طلاب را تشکیل می‌دهند. همچنین لازم به ذکر است که هیچ‌یک از طلاب نمونه آماری پژوهش مطلقه یا همسر فوت شده نبودند.

توزیع فراوانی قومیت نیز بدین‌صورت است که تعداد بیشتری از افراد نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۳۸/۹ درصد) قومیت لر دارند، حدود ۳۱/۵ درصد قومیت فارس، حدود ۲۰/۸ درصد عرب، حدود ۳/۴ درصد ترک و حدود ۵/۴ مربوط به سایر اقوام هستند. لازم به ذکر است که هیچ‌کدام از دانشجویان قومیت بلوچ ندارند. همچنین تعداد بیشتری از طلاب نمونه آماری پژوهش حاضر (حدود ۶۶/۷ درصد) قومیت عرب دارند، حدود ۱۷/۰ درصد قومیت لر، حدود ۱۰/۸ درصد فارس، حدود ۲/۸ درصد ترک و حدود ۲/۸ مربوط به سایر اقوام هستند. لازم به ذکر است که هیچ‌کدام از طلاب قومیت بلوچ ندارند.

جدول ۵: آماره‌های توصیفی

Table 5: Descriptive Statistics

| بیشترین | | کمترین | | انحراف معیار | | میانگین | | شاخص متغیر |
|-------------|---------|-------------|---------|--------------|---------|-------------|---------|---|
| | | | | | | | | |
| طلبه | دانشجو | طلبه | دانشجو | طلبه | دانشجو | طلبه | دانشجو | Indicator Variable |
| His Request | Student | His Request | Student | His Request | Student | His Request | Student | |
| ۲۵ | ۲۵ | ۱۰ | ۸ | ۲/۶۲ | ۲/۸۳ | ۱۹/۰۹ | ۱۸/۶۲ | پایگاه اجتماعی - اقتصادی |
| ۲۸ | ۲۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۳/۳۵ | ۳/۴۴ | ۱۹/۰۷ | ۱۹/۲۹ | فعالیت‌های روزمره |
| ۱۷۴ | ۲۰۸ | ۹۲ | ۹۶ | ۱۹/۴۳ | ۲۱/۵۳ | ۱۳۰/۶۳ | ۱۴۷/۵۶ | سبک زندگی |
| ۶۱ | ۵۹ | ۱۷ | ۱۹ | ۷/۶۷ | ۸/۴۲ | ۳۵/۵۷ | ۳۷/۲۳ | اوقات فراغت |
| ۴۱ | ۵۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۵/۰۵ | ۶/۰۱ | ۲۳/۲۷ | ۲۵/۴۴ | مصرف فرهنگی |
| ۵۴ | ۶۳ | ۱۵ | ۱۹ | ۷/۶۱ | ۹/۲۷ | ۲۷/۶۱ | ۳۶/۶۱ | مدیریت بدن |
| ۲۵ | ۲۵ | ۵ | ۵ | ۴/۰۷ | ۴/۸۲ | ۱۱/۴۴ | ۱۴/۴۴ | میزان استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی |
| ۲۴ | ۲۱ | ۵ | ۵ | ۲/۹۳ | ۲/۹۸ | ۷/۹۷ | ۹/۸۲ | تناسب اندام |
| ۲۵ | ۲۴ | ۵ | ۵ | ۴/۳۶ | ۵/۳۱ | ۸/۱۹ | ۱۲/۳۴ | نگرش به جراحی‌های زیبایی |
| ۳۰ | ۳۰ | ۸ | ۸ | ۴/۱۴ | ۴/۱۴ | ۲۰/۶۷ | ۲۰/۵۱ | تعامل اجتماعی |
| ۳۸ | ۳۸ | ۸ | ۱۷ | ۶/۲۸ | ۴/۰۵ | ۲۳/۴۸ | ۲۷/۷۵ | ملاک‌های پوشش |

بر اساس مندرجات جدول ۵، میانگین و انحراف معیار متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بین دانشجویان به ترتیب ۱۸/۶۲ و ۲/۸۳ و در بین طلاب به ترتیب ۱۹/۰۹، ۲/۶۲، متغیر فعالیت‌های روزمره در بین دانشجویان به ترتیب ۱۹/۲۹ و ۳/۴۴ و در بین طلاب به ترتیب ۱۹/۰۷، ۳/۳۵، متغیر سبک زندگی در بین دانشجویان به ترتیب ۱۴۷/۵۶ و ۲۱/۵۳ و در بین طلاب به ترتیب ۱۳۰/۶۳، ۱۹/۴۳، متغیر اوقات فراغت در بین دانشجویان به ترتیب ۳۷/۲۳ و ۸/۴۲ و در بین طلاب به ترتیب ۳۵/۵۷، ۷/۶۷، متغیر مصرف فرهنگی در بین دانشجویان به ترتیب ۲۵/۴۴ و ۶/۰۱ و در بین طلاب به ترتیب ۲۳/۲۷، ۵/۰۵، متغیر مدیریت بدن در بین دانشجویان به ترتیب ۳۶/۶۱ و ۹/۲۷ و در بین طلاب به ترتیب ۲۷/۶۱، ۷/۶۱، متغیر میزان استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی در بین دانشجویان به ترتیب ۱۴/۴۴ و ۴/۸۲ و در بین طلاب به ترتیب ۱۱/۴۴، ۴/۰۷، متغیر تناسب اندام در بین دانشجویان به ترتیب ۹/۸۲ و ۲/۹۸ و در بین طلاب به ترتیب ۷/۹۷، ۲/۹۳، متغیر نگرش به جراحی‌های زیبایی در بین دانشجویان به ترتیب ۱۲/۳۴ و ۵/۳۱ و در بین طلاب به ترتیب ۸/۱۹، ۴/۳۶، متغیر تعامل اجتماعی در بین دانشجویان به ترتیب ۲۰/۵۱ و ۴/۱۴ و در بین طلاب به ترتیب ۲۰/۶۷، ۴/۱۴ و متغیر ملاک‌های پوشش در بین دانشجویان به ترتیب ۲۷/۷۵ و ۴/۰۵ و در بین طلاب به ترتیب ۲۳/۴۸، ۶/۲۸ است.

یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانووا) برای مقایسه متغیرهای پایگاه اجتماعی -

اقتصادی، فعالیت‌های روزمره، سبک زندگی و مؤلفه‌های آن در دو گروه دانشجویان و طلاب

Table 6: Findings of Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)

| نام آزمون | مقدار | F | اشتباه df | فرضیه df | سطح معنی‌داری |
|--------------------------|------------|--------|-----------|---------------|---------------|
| Title of Exam | The Amount | F | Wrong df | df Hypothesis | Sig |
| آزمون اثر پیلایی | ۰/۲۹۱ | ۱۲/۷۷۸ | ۲۸۰ | ۹ | ۰/۰۰۱ |
| آزمون لامبدای ویلکز | ۰/۷۰۹ | ۱۲/۷۷۸ | ۲۸۰ | ۹ | ۰/۰۰۱ |
| آزمون اثر هتلینگ | ۰/۴۱۱ | ۱۲/۷۷۸ | ۲۸۰ | ۹ | ۰/۰۰۱ |
| آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی | ۰/۴۱۰ | ۱۲/۷۷۸ | ۲۸۰ | ۹ | ۰/۰۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانووا) نشان می‌دهد که بین دو گروه دانشجو و طلبه از لحاظ حداقل یکی از متغیرهای مطرح شده

تفاوت معنی دار وجود دارد. البته با توجه به اینکه سطوح معنی داری چهار آزمون مانووا، در حد قابل قبول است، احتمالاً بین گروه‌ها اختلاف وجود خواهد داشت.

جدول ۷ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (آنووا) بر روی نمره‌های متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سبک زندگی و مؤلفه‌های آن (اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و مؤلفه‌های آن (میزان استفاده از وسایل آرایشی و بهداشتی، تناسب اندام و نگرش به جراحی‌های زیبایی)، تعامل اجتماعی و ملاک‌های پوشش) و فعالیت‌های روزمره را در دو گروه دانشجویان و طلاب را نشان می‌دهد.

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری (آنووا) برای مقایسه متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سبک زندگی و مؤلفه‌های آن (اوقات فراغت، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و مؤلفه‌های آن، تعامل اجتماعی و ملاک‌های پوشش) و فعالیت‌های روزمره را در دو گروه دانشجویان و طلاب

Table 7: Findings of Univariate Analysis of Variance (ANOVA)

| متغیر | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی داری |
|-------------------------------|----------------|------------|-----------------|--------|---------------|
| Variable | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig |
| پایگاه اقتصادی - اجتماعی | ۱۵/۸۷۰ | ۱ | ۱۵/۸۷۰ | ۲/۱۱ | ۰/۱۴۷ |
| سبک زندگی | ۲۰۷۷۰/۷۵۴ | ۱ | ۲۰۷۷۰/۷۵۴ | ۴۹/۲۲۷ | ۰/۰۰۱ |
| اوقات فراغت | ۱۹۹/۷۳۳ | ۱ | ۱۹۹/۷۳۳ | ۳/۰۶۸ | ۰/۰۸۱ |
| مصرف فرهنگی | ۳۴۲/۱۰۱ | ۱ | ۳۴۲/۱۰۱ | ۱۱/۰۲۹ | ۰/۰۰۱ |
| مدیریت بدن | ۵۸۶۸/۵۹ | ۱ | ۵۸۶۸/۵۹ | ۸۱/۰۹۹ | ۰/۰۰۱ |
| میزان استفاده از وسایل آرایشی | ۶۵۰/۳۲۹ | ۱ | ۶۵۰/۳۲۹ | ۳۲/۴۴ | ۰/۰۰۱ |
| تناسب اندام | ۲۴۷/۰۸۰ | ۱ | ۲۴۷/۰۸۰ | ۲۸/۱۶۶ | ۰/۰۰۱ |
| نگرش به جراحی‌های زیبایی | ۱۲۵۲/۱۹۷ | ۱ | ۱۲۵۲/۱۹۷ | ۵۲/۶۹ | ۰/۰۰۱ |
| تعامل اجتماعی | ۱/۹۴۱ | ۱ | ۱/۹۴۱ | ۰/۱۱۳ | ۰/۷۳۷ |
| ملاک‌های پوشش | ۱۳۱۶/۱۳۰ | ۱ | ۱۳۱۶/۱۳۰ | ۴۷/۵۶۵ | ۰/۰۰۱ |
| فعالیت‌های روزمره | ۳/۴۲۰ | ۱ | ۳/۴۲۰ | ۰/۲۹۵ | ۰/۵۸۷ |

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود بین گروه‌های دانشجویان و طلبه از نظر متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی تفاوت معنی دار وجود ندارد ($F=۲/۱۱$ و $P=۰/۱۴۷$). بنابراین فرضیه ۱ پژوهش در سطح $p>۰/۰۵$ رد می‌شود. اما، میانگین‌های سبک زندگی در دو گروه دانشجویان و طلبه تفاوت معنی داری دارند ($F=۴۹/۲۲۷$ و $P=۰/۰۰۱$). بنابراین فرضیه ۲ پژوهش

در سطح $p < 0/05$ تأیید می‌شود. اما، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر اوقات فراغت تفاوت معنی‌داری ندارند ($F = 3/068$ و $P = 0/081$). بنابراین فرضیه ۳ در سطح $p > 0/05$ پژوهش رد می‌شود؛ اما، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر مصرف فرهنگی تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 11/029$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۴ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر مدیریت بدن تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 81/09$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۵ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر میزان استفاده از وسایل آرایشی تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 32/44$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۶ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر تناسب اندام تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 28/16$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۷ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر نگرش به جراحی‌های زیبایی تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 52/69$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۸ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. اما، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر تعامل اجتماعی تفاوت معنی‌داری ندارند ($F = 0/113$ و $P = 0/737$). بنابراین فرضیه ۹ در سطح $p > 0/05$ پژوهش رد می‌شود. اما، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر ملاک‌های پوشش تفاوت معنی‌داری دارند ($F = 47/56$ و $P = 0/001$). بنابراین فرضیه ۱۰ در سطح $p < 0/05$ پژوهش تأیید می‌شود. اما، دو گروه دانشجوی و طلبه از نظر متغیر فعالیت‌های روزمره تفاوت معنی‌داری ندارند ($F = 0/295$ و $P = 0/587$). بنابراین فرضیه ۱۱ در سطح $p > 0/05$ پژوهش رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر مطالعه‌ای مقدماتی و اکتشافی در خصوص این موضوع بود و بالطبع با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود این محدودیت‌ها عبارت‌اند از: عدم وجود پیشینه در مورد مطالعه تطبیقی کیفیت سبک زندگی دانشجویان و طلاب و به‌عبارتی دیگر مطالعاتی که در ارتباط با سبک زندگی طلاب و دانشجویان موجود است، همه به بررسی یکی از دو قشر می‌پردازد؛ البته این نکته را می‌توان به‌عنوان وجه نوآوری پژوهش نیز در نظر گرفت. دیگر محدودیت این پژوهش عدم همکاری نهاد حوزه در ارائه آمار طلاب در حال تحصیل بود. در ارتباط با بحث و نتیجه‌گیری این پژوهش می‌توان ادعان داشت «جوانان در هر جامعه‌ای پیشگام استقبال از تغییرات فرهنگی هستند و بخشی از جامعه به شمار می‌آیند که استعداد گسست فرهنگی و عدم بازآفرینی شیوه‌های سنتی را از خود نشان می‌دهند

(Zokaei, 2007:136). یکی از ویژگی‌های مطالعات سبک زندگی بررسی محیط و عرصه‌هایی است که جوانان در آن به فعالیت می‌پردازند. این عرصه‌ها که عموماً در حوزه زندگی روزمره قابل بررسی‌اند، نقش مهمی در فرایندهای ایجاد و بازآفرینی معنا دارند (Inglis, 2005). در این عرصه‌هاست که جوانان روندهای فرهنگی غالب و چانه‌زنی و مذاکره می‌پردازند و در این تعامل فرهنگ‌های خاص شکل می‌گیرد (Oswell, 2006).

محیط‌های آموزشی یکی از عرصه‌هایی است که جوانان در آن به تعامل اجتماعی می‌پردازند. در این میان جوانان ایرانی متأثر از تحولات کلان فرهنگی - اجتماعی ملی و فراملی و همچنین متأثر از جایگاه‌های اجتماعی متفاوت خود در عرصه سبک زندگی گزینش‌های متعددی صورت داده‌اند که شناخت این صور متعدد و متنوع برای شناخت تحولات فرهنگی بسیار ضروری است. یافته‌های پژوهش نشان داد میان سبک زندگی دانشجویان و طلاب تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین میان دانشجویان و طلاب از نظر نحوه گذران اوقات فراغت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان تعامل اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت اما تفاوت دو گروه از نظر مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و ملاک‌های انتخاب پوشش معنی‌دار بود؛ این تفاوت را می‌توان به تفاوت دو عرصه و محیط آموزشی که طلاب و دانشجویان در آن به فعالیت می‌پردازند نسبت داد.

همان‌طور که بورديو تأکید دارد منش محصول تاریخ است و ریشه در تاریخ میدان دارد. به نظر می‌رسد در باب حوزه و روحانیت می‌توان دو نوع روایت تاریخی را در متون و منابع موجود تشخیص داد: ۱- روایت درونی و حوزوی از تاریخ حوزه؛ ۲- روایت بیرونی مورخان و متخصصان علوم جدید از تاریخ حوزه.

در روایت اول که منطق درونی دینی واله‌یاتی بر آن حاکم است، تبار حوزه به محافل درس امام صادق باز می‌گردد، یا حتی به روایتی ریشه در عصر پیامبر دارد. پیامبران الهی سه وظیفه مهم داشته‌اند: ۱- دریافت پیام خدا، ۲- انتقال این پیام به مردم، ۳- اجرا و تحقق بخشیدن به آن محتوا در جامعه (امامت ولایت). پس از رحلت آخرین پیامبر و غیبت آخرین وصی او - امام عصر - این سه مسئولیت خطیر نیاز به متولی دارد. لازم است صنفی پدید آید که این وظایف سنگین را بر دوش گرفته و دنباله‌رو حرکت پیامبران باشد. این صنف، روحانیون و عالمان دین نام‌گرفته‌اند. عالمان دین، وارثان و جانشینان پیامبران هستند (Alamzadenori, 2012:7-16). در این رویکرد حوزه به مثابه نهادی آموزشی، در همه وجوه آموزشی و مهمتر از همه محتوای آن (ریشه در میراث پیامبر و ائمه دارد. حوزه به مثابه نهادی مقدس به نوعی تاریخ‌زدایی شده و ماهیت و محتوایی مقدس پیدا

می‌کند، در نتیجه کنشگران آن نیز مقدس شده و همه چیز ماهیتی قدسی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر منشأ و محتوای تاریخی این نهاد، قدسی و الهی است. این رویکرد تحولات تاریخی را نادیده می‌گیرد و عوامل تاریخی و جامعه‌شناختی پیدایش و تحول حوزه را در نظر نمی‌گیرد (Rahmani, 2013:128). در رویکرد دوم، حوزه علمیه به مثابه یک نهاد متمرکز آموزشی و علمی کاملاً تاریخ‌مند است. محافل درس ائمه هر چند در برخی ابعاد فرم و صورت (آموزش علوم دینی) مشابه حوزه است، اما حوزه‌ها محصول تاریخ هستند و معمولاً در بستر شرایط اجتماعی خاصی شکل می‌گیرند، تحول پیدا می‌کنند و گاه افول می‌یابند. به عنوان مثال فیشر به خوبی تحولات دوره انقلاب ۱۳۵۷ را در تحولات حوزه علمیه و حتی واکنش‌های علما به مباحث و مسائل مدرن، نشان داده است. نکته اصلی در این رویکرد، قائل شدن به اهمیت تاریخ در نهاد علم در تمدن اسلامی است. منابع تاریخی (Ahmadi, 2005؛ Shebli, 2008) بیانگر آن هستند که چگونه نهاد حوزه علمیه در تمدن اسلامی شکل گرفت. حوزه‌های علمیه شیعه (Karimi & Zanjani, 2006)، به دلیل اقلیت‌بودگی شیعیان، عموماً وابسته به مردم و با منابع غیر حکومتی رشد کردند. البته این روند تا دوران صفویه وجود داشته است و بعد از آن حوزه‌ها به نوعی رابطه‌ای نسبی با حکومت داشته‌اند. در دوره انقلاب ایران بود که حوزویان کانون سیاست را به دست گرفتند و نهاد حوزه به نهاد کانونی یا به عبارت دقیق‌تر به میدان اصلی قدرت تبدیل شد.

طلاب حوزوی را نباید یک الگو و نوع واحد دانست، بلکه طیف‌های مختلفی و به تعبیری خرده میدان‌های مختلفی در این میدان حوزه علمیه وجود دارند که می‌توان آن‌ها را ذیل خرده میدان‌های قرائت‌های دینی مختلف تقسیم‌بندی کرد، خرده میدان فقهی، خرده میدان عرفانی و خرده میدان فلسفی. البته اکثریت غریب همان خرده میدان فقهی است که به دنبال آن است تا بر میراثی از معارف دینی (به‌ویژه احادیث) مسلط شود و از سوی دیگر بتواند در محدوده مجاز فقه، در آن‌ها اجتهاد پیدا کند. نمونه آرمانی این خرده میدان، فقهای بزرگی هستند که به‌عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شوند. تاریخ حوزه علمیه و تحولات مدرن آن، خصیصه‌های اصلی این میدان را شکل داده و منش طلبگی از درون این تاریخ شکل گرفته است. میدان حوزه علمیه، از خلال برساخت منش طلبگی، نه تنها خودش را بازتولید می‌کند، بلکه مبنایی اصلی برای برساخت انسان حوزوی فراهم می‌کند (Rahmani, 2013:134).

در صد سال اخیر که علم و صنعت در دنیای غرب رشد اعجاب‌انگیزی پیدا کرده است در کشورهای مشرق زمین، از جمله در ایران، در جهت اقتباس علم و صنعت غربی تلاش زیادی

صورت گرفته است. اعزام دانشجویان برای تحصیل به دیار فرنگ و ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها و مراکز علمی به سبک و سیاق غربی در داخل مملکت از آن جمله‌اند.

با اعزام دانشجویان برای تحصیل به کشورهای غربی و با گسترش دانشگاه‌ها به سبک و سیاق غربی در ایران در نهاد تربیت قشر جدیدی به نام استادان دانشگاه‌ها به وجود آمد که به تعلیم و تربیت نسل جدید می‌پردازند و در جامعه نیز قشر تحصیل کرده دانشگاهی به وجود آمد. دانشگاه به منزله نهاد پیشتاز در تحولات جامعه عمل می‌کند و از طریق رصد کردن تغییرات اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در عرصه علم و فناوری جامعه را برای تسلط بر رویدادهای آینده توانمند و مهیا می‌کند (*Ibid:10*).

توسعه همه‌جانبه به معنای توجه به شاخص‌های کمی و کیفی زندگی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (و نه صرفاً تقلیل همه واقعیت‌های توسعه به بعد اقتصادی) است. به همین لحاظ دانشگاه در عقلانی کردن موجودات انسانی و اعطای قابلیت اندیشیدن انتقادی، حفظ تعهد اخلاقی، کار خلاق و بیان هویت انسانی نقشی اساسی دارد (*Fazeli, 2007:177*).

آموزش عالی (با تأکید بر حوزه و دانشگاه) یکی از نهادهای اجتماعی است که نقشی بی‌نظیر در تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. از جمله کارکردهای نظام آموزش عالی می‌توان به مواردی همچون جامعه‌پذیری، افزایش احساس تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، پیشرفت و توسعه، اشاعه و توسعه دانش، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه‌های علمی و پژوهشی، توسعه دانایی و توانایی، اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی فرهنگ عمومی، حفظ و انتقال و بازاندیشی سنت‌ها، تجدید حیات فرهنگی و ... جامعه اشاره کرد (*Bagheri, 2013:26*). بر اساس آنچه گفته شد، همبستگی کاملی بین علم، فناوری، فرهنگ و توسعه‌یافتگی نظام اجتماعی برقرار است در این میان حوزه و دانشگاه قدرتمندترین عامل برای تحقق این همبستگی است.

References:

- Alamzadeh Nouri, M. (2012). The ideal image of students in the eyes of the Supreme Leader, Qom: Bostan. (Persian).
- Alamzadeh Nouri, M. (2012). The way and customs of Talabgi, Qom: Vala Montazer Cultural Institute. (Persian).
- Azad Eramaki, T. (2006). Types of lifestyle in Iran, Strategic Research Center of Expediency Council. (Persian).
- Bagheri, A. Karim F. (2012). "A critical analysis of the historical process of higher education in Iran, Society for Cultural Studies", Institute of Humanities and Cultural Studies (1), 75-23. (Persian).
- Bendix, R. (2007). Max Weber's intellectual image, translated by Mahmoud Rambad, Tehran, Hermes. (Persian).
- Birou, A. (1996). Culture of Social Sciences, translated by Bagher Sarokhani, Tehran, Kayhan. (Persian).
- Blasius, J., & Friedrichs, J. (2008). "Lifestyles in distressed neighborhoods A test of Bourdieu's, hypothesis", Poetics: 36; 24-44. (Persian).
- Bocock, R. (2001). Musharf, translated by Khosrow Sabouri, Tehran: Shirazeh. (Persian).
- Bourdieu, P. (2004). Capital forms, translated by Afshin Khakbaz and Hasan Pouyan, Tehran: Tirage. (Persian).
- Bourdieu, P. (1990). In Other Words: Essays Toward a Reflexive Sociology. stanford:Stanford University press. (Persian).
- Chaney, D. (1996). Lifestyles, New york and London: Routledge. (Persian).
- Coser, L, A. (1998). Life and Thought of Sociological Greats, translated by Mohsen Salasi, Tehran, Scientific Publications. (Persian).
- Craib, I. (2003). Classical Sociological Theory (an introduction to the thought of Marx, Weber, Durkheim and Simmel), translated by Shahnaz Mosmiparast, Tehran, Agah. (Persian).
- De Vaus, D, A. (2007). Survey in social research, translated by Hoshang Naibi, Tehran, Ney (Persian).
- Fazli, M. (2003). Consumption and lifestyle, Tehran, Sobh Sadegh (Persian).

Fazli, M. (2007). "An image of the cultural lifestyle of the student community", *Cultural Research Quarterly*, (1), 175-198. (Persian).

Ghasemi, V. (2005). "Cronbach's alpha coefficient and its characteristics, emphasizing its application in social research, *Humanities Research Journal*", Isfahan University, (19), 2. (Persian).

Giddens, A. (2003). *Modernity and individuality, society and personal identity in the new era*, translated by Nasser Nazaviyan, Tehran, Ney, second edition. (Persian).

Grabb, E. (1994). *Social Inequality: Perspectives of Classical and Contemporary Theorists*, translated by Ahmad Forughinejad and Mohammad Siahpoosh, Tehran, Moaaser. (Persian).

Hahedi, A. Ali babaei, Y. (2011). *Investigating factors affecting the unity of elites in the field of culture*, Tarbiat Modares University, Tehran.

Inglis, D. (2005). *Culture and Everyday Life*, Routledge, New York.

Jenkins, R. (2006). *Pierre Bourdieu*, translators: Leila Javafshani and Hassan Chavoshian, Tehran: Ney.

Karimi Zanjani, M. (2006). *Shia Darul Alam and cultural renewal in the Islamic world*, Tehran: Etelaat. (Persian).

Koch, W., E. (1991). "A Framework for Quantitative Study of Leisure Styles", *Society and Leisure*, Vol. 14, No. 2, 410-432.

Kockerham, W, C. and Rutten, Alfred and Abel. Thomas (1997). "Conceptualizing contemporary Health Lifestyles: moving Beyond Weber", *The Sociological Quarterly*. Vol.38, No.2. Pp.321-342.

Mahdavi Keni, M., S. (2007). the concept of lifestyle and its scope in social sciences, *Cultural Research Quarterly*, first year, (1), 199-230. (Persian).

Nabawi, A., H., Hossein Zadeh, A., H., Hosseini, H. (2009). "Investigating the effect of socio-economic base and ethnic identity on the feeling of social security", *Police Knowledge Quarterly*, (10), 2. (Persian).

Oswell, D. (2006). *Culture and Society*. Sage, London.

Rahmani, A. (2013). "Sociological investigation of the relationship between lifestyle and religiosity, *Researches of Science*

and Religion”, Institute of Humanities and Cultural Studies, 4 (1), 39-60. (Persian).

Rahmani, J. (2013). “Zai Talabgi: A description of the life of a seminarian”, Iran's Cultural Research Quarterly, 6, (2): 142-13. (Persian).

Rahmatabadi, E., Aghabakhshi, H. (2006). “Lifestyle and Social Identity of Youth”, Social Welfare Research Quarterly, No. 20. (Persian).

Ritsema, J. & et. al. (2005). “Lifestyles, spatial configurations and quality of life in daily”, Travel: an explorative simulation study. Journal of transport Geography: 13:123-134.

Shalchi, V. (2007). “The lifestyle of coffee shop youth”, Cultural Research Quarterly, (1), 93-119 (Persian).

Shariati, S., Farooghi, Y. (2012). “Sociological factors and motivations of students entering the seminary”, Journal of Cultural Studies Society, (4), 2, 45-74. (Persian).

Shibli, A. (2008). History of Education in Islam, translated by Mohammad Hossein Saket, Tehran, Contemporary View. (Persian).

Sobel, M. (1981). Lifestyle and Social Struture: Concept, Dfinitions, And Analyses Academic press.

Tamin, M. (1994). Sociology of Stratification and Social Inequalities, translated by Abdul Hossein Nik Gohar, Tehran, Totia.

Veal, A., J. (2000). Lifestyle And leisure: A Review and annotated Bibliography, School of Leisure, Sport and Tourism, University of Technology Sydney, on_Lin Bibliography 8, at: www.Business.ust.edu.au.

Zakaei, M, S. (2007). Culture of Youth Studies, Tehran, Agah. (Persian).

A Comparative Study of the Lifestyle Quality of Seminary Students and University Students (Case Study: Students of Shahid Chamran University of Ahvaz and Students of Ahvaz City Seminary)

Karim Rezadoost (Ph.D)¹, Seyedeh Mona Fazelpoor²

DOI: 10.22055/QJSD.2022.38949.2529

Abstract:

The objective of this study is to survey the lifestyles of the university students studying at shahid chamran university of Ahwaz against the clerics studying at religious in the same city. To clarify the point, weber, s model and that of bordieu were used as the theoretical framework of the research. There were two randomly selected samples. For Ahwaz religious relevant class sampling was made use of data gleaned from questionnaire distributed among 141 university students versus the same number of religious school were gathered via SPSS 19 to be analyzed. In the third phase of the research, it was assumed that both institutes and manpower there are affected by their respective organizational hierarchy in terms of lifestyles. Results from MANOVA revealed that there is no significant difference between the university students as against clerics. However as for the means related to the difference in terms of their lifestyles there does exist a management, making use of cosmetics and fitness, attitudes towards cosmetic surgery and difference in dress codes are concerned they were shown to be different. But, as far as spending free time, social interactions and everyday activities there were no significant differences. Thus it could be conclude that their respective educational setting did have an influence on their lifestyles.

Key Concepts: *Lifestyles, Cultural Consumption, Body Management, Religious Schools, University*

¹ Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), k.rezadoost@scu.ac.ir

² PhD in Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, mfazeli139@gmail.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).